



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 15 Issue: 40
Autumn 2024

Pages: 1-28

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/JIIPH.2024.58447.2466

Received: 2023/09/20 Received in revised form: 2024/05/25 Accepted: 2024/06/10 Published: 2024/09/23

Survey of the Social and Economic Position of Women Workers in Rastakhiz-I Kargaran Magazine (1976-1975)

Shokat Afshari¹| MirHadi Hosseini²

Abstract

The development programs of Mohammad Reza Shah Pahlavi's era led to the growth and expansion of production centers and factories, which, in turn, resulted in an increase in both skilled and unskilled workers. As a result of the second Pahlavi's modernization policies, women became more involved in economic activities than ever before. Women workers were recruited as auxiliary forces in carrying out these reform programs. However, during this period, the social and economic conditions of working women were not widely reflected in the press. The only magazine that addressed the labor issues of women during the years 1354-1355 was Rastakhiz Kargaran, which featured articles and news columns related to these issues. This research seeks to answer the question of how the social and economic issues of working women were reflected in this magazine. The argument is that while reflecting the modernization discourse of the government at the time, Rastakhiz Kargaran also played a role in changing the traditional attitudes of society and women towards labor, especially in jobs that were previously considered male-dominated. The findings of the research show that, in addition to destigmatizing the economic activity of women working alongside men, the magazine also worked to inform women about various issues such as labor law, health in the workplace, and their physical well-being. By highlighting the capabilities of women, it encouraged their participation in day and night training programs at educational centers. This article uses a library research method and content analysis, examining numerous issues of the magazine to analyze the data.

Keywords: Rastakhiz-i Kargaran magazine, Mohammad Reza Shah Pahlavi, women workers, social position.

1. PhD Candidate in the History of Iran after Islam, Kharazmi University, Tehran, Iran
afsharishokat@yahoo.com

2. Assistant Professor, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
hosseini@khu.ac.ir

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۰۲

دوره: ۱۵، شماره: ۴۰

پاییز ۱۴۰۳

صفحات: ۱-۲۸

تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام



دانشگاه خوارزمی

DOI: 10.22034/JIIPH.2024.58447.2466

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

بررسی جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان کارگر

در مجله رستاخیز کارگران (۱۳۵۴-۱۳۵۵ش)

شوکت افشاری^۱ | میرهادی حسینی^۲

چکیده

برنامه‌های توسعه دوره محمدرضا شاه پهلوی، رشد و گسترش مراکز تولیدی و کارخانه‌ها و به تبع آن فزونی کارگران ماهر و غیرماهر را به دنبال داشت. در این بین در اثر سیاست‌های مدرن‌سازی پهلوی دوم، زنان بیش از گذشته در فعالیتهای اقتصادی شریک شدند. زنان کارگر به عنوان نیروی‌های کمکی در پیشبرد برنامه‌های اصلاحی به خدمت گرفته شدند. در مطبوعات این دوره، شرایط اجتماعی و اقتصادی زنان کارگر چندان منعکس نشد. تنها مجله‌ای که در فاصله سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۵ ش به مسائل کارگری زنان پرداخت، رستاخیز کارگران بود که در مقالات و ستون‌های خبری مختلف به موضوعات مربوط به آن‌ها پرداخته‌است. از این رو این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که مسائل اجتماعی و اقتصادی زنان کارگر در این مجله چگونه بازتاب داده شده‌است؟ مدعای مطرحه این است که این مجله ضمن بازتاب گفتمان مدرن‌سازی دولت وقت به تغییر نگرش سنتی جامعه و زنان نسبت به مشاغل کارگری به‌خصوص مشاغلی که در گذشته مردانه قلمداد می‌شدند پرداخته‌است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این مجله در کنار قیبح‌زدایی از فعالیت اقتصادی زنان در کنار مردان، در زمینه آگاه‌سازی زنان نسبت به مسائل چون قانون کار، بهداشت محیط کار و سلامتی جسم آنان نیز تلاش‌هایی انجام می‌داده‌است و با ترسیم توانایی زنان، آنان را تشویق به مهارت‌آموزی در مراکز کارآموزی شبانه‌روزی می‌کرد. این مقاله با بهره‌گیری از شمارگان متعدد مجله حاضر از روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا برای بررسی داده‌ها بهره برده‌است.

کلیدواژه‌ها: مجله رستاخیز کارگران، محمدرضا شاه پهلوی، زنان کارگر، جایگاه اجتماعی.

afsharishokat@yahoo.com

hosseini@khu.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خوارزمی تهران، ایران

۲. استادیار دانشگاه خوارزمی تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

با افزایش درآمدهای نفتی و به دنبال آن پیاده شدن برنامه‌های عمرانی چهارم (۱۳۴۷-۱۳۵۱) و پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶)، کشور هر چه بیشتر به سوی صنعتی شدن حرکت کرد. اجرای اصلاحات ارضی و مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها، نیروهای ارزان قیمت را در اختیار کارخانه‌ها و مراکز تولیدی قرار داد. انقلاب سفید محمدرضاشاه پهلوی، مقدمات ورود زنان به بخش‌های اقتصادی کشور را هر چه بیشتر فراهم کرد؛ زیرا یکی از اهداف این انقلاب در ایران صنعتی پیش رو، تغییر تفکر زنان درباره کار و مدرنیزه کردن زندگی زنان بود. البته در گذشته نه‌چندان دور در دوره رضاشاه امر اشتغال زنان در خارج از خانه وجود داشت و ذهنیت زنان با این امر آشنا بود.^۱ اما در آن دوره با توجه به عدم ظرفیت و فضای فرهنگی مناسب، زنان به صورت خیلی گسترده نتوانستند در شبکه‌های اقتصادی جذب شوند. رضاشاه برای پیش بردن برنامه‌های آمرانه خود، از تمام پتانسیل‌های فرهنگی برای تشویق زنان در عرصه‌های اجتماعی استفاده کرد. از مهم‌ترین اقدامات دولت رضاشاه ایجاد مدارس دخترانه گسترده، ایجاد سازمان‌های زنانه و نشریاتی بود که زمینه را برای تغییر تفکر جامعه فراهم می‌کرد.

آنچه در دهه چهل و پنجاه بیشتر تأکید می‌شد نه صرف اشتغال زن بلکه درصد قبح زدایی برخی از مشاغل فنی بود که دولت می‌خواست نیروهای لازم را در این بخش مستقر کند. برخی از این مشاغل به‌ظاهر مردانه بود و یا نیاز به آموزش داشت. دولت تلاش می‌کرد زنان به‌خصوص زنان کارگر را با این محیط‌های کاری و آموزشی آشنا کند. کلیشه زدایی از ذهنیت سنتی جامعه ایران در قالب رسانه‌هایی که دولت در اختیار داشت، از برنامه‌های مهم این عصر بود. استفاده از رسانه ارتباط‌جمعی^۲ چون مطبوعات که حافظ افکار مسلط دولت بر جامعه بود، تسلط و کنترل را بر برنامه‌های تدوین شده عیان می‌سازد.

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص چگونگی و ضرورت اشتغال خارج از خانه زنان به این منابع مراجعه شود: حسینی، مرضیه، (۱۴۰۱)، *وضعیت اشتغال زنان در دوره رضاشاه، تهران، تاریخ ایران؛ سلماسی‌زاده، محمد، امیری، آمنه، (۱۳۹۶) «تأثیر نوسازی حکومت پهلوی اول بر جایگاه زنان در خانواده و اجتماع»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام (۱۵) ۸.*

در بین نشریات حاضر در دوره موردبحث، مجله *رستاخیز کارگران* که وابسته به حزب رستاخیز بود و گردانندگان آن از حامیان انقلاب سفید بودند، در انعکاس و توجیه عملکرد دولت در قبال کارگران فروگذاری نمی‌کردند. مجله *رستاخیز کارگران* در نیمه دوم سال ۱۳۵۴ به صورت اختصاصی به مسائل مربوط به کار و کارگر پرداخت. برنامه‌های اجراشده دولت در مورد مسائل کارگران در این مجله منعکس می‌شد و کارگران را با اصول قانون کار و اخبار کارگری آشنا می‌کرد. معرفی زنان کارگر در شغل‌هایی گوناگون و واکاوی نگاه زنان به امر اشتغال از برنامه‌های موردتوجه مجله *رستاخیز کارگران* بود.

نشریاتی که به مسائل زنان کارگر بپردازند و یا به طور اختصاصی به این گروه تعلق داشته باشد در دوره موردبحث وجود نداشت. نشریات مربوط به موضوع زنان در سال‌های پس از چهل را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک) نشریاتی که اختصاص به موضوع مد و لباس و اغلب جنبه سرگرمی داشتند، مانند: زن روز، دنیای زنان، اطلاعات بانوان و ... (دو) مجلات و نشریاتی که وابسته به سازمان زنان بوده که در تهران و سایر شهرستان‌ها منتشر می‌شد مانند مجله «*سازمان زنان شعبه خرمشهر*»، مجله «*سازمان زنان شعبه آبادان*» و ... روزنامه‌های کثیرالانتشاری مانند اطلاعات و کیهان نیز به تناسب موضوعات، اخبار کوتاهی از برخی از مسائل زنان قالیباف در این سال‌ها منتشر کرده‌است که بسیار ناچیز است. در این بین، مجله *رستاخیز کارگران* با وجود اینکه یک مجله دولتی و ناشر افکار حزب رستاخیز بود، در زمینه پرداختن به مسائل زنان کارگر از جایگاه مهمی در بررسی وضعیت کارگری برخوردار است هرچند در تحلیل این مجله باید جانب احتیاط را مرعی داشت. ذکر این نکته ضروری است که مجله *رستاخیز کارگران* مختص زنان کارگر نبود بلکه شامل کلیه کارگران چه زن و مرد می‌شد اما در هر شماره، مباحث مربوط به کارگران زن بخشی از این مجله را به خود اختصاص می‌داد. این مقاله با استفاده از منابع پژوهشی و مجله «*رستاخیز کارگران*» به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که این مجله چگونه مسائل اجتماعی و اقتصادی زنان کارگر را منعکس می‌کرده‌است؟ فرضیه موردنظر این است که مجله *رستاخیز کارگران* ضمن بیان گفتمان مدرنیزاسیون دولت محمدرضاشاه با استفاده از نقش رسانه‌ای خود ضمن بیان مسائل زنان کارگر چون سواد، مهارت و بهداشت و آموزش به تغییر نگاه سنتی جامعه به اشتغال زنان نیز کمک می‌کرد.

موضوع مورد بررسی این مقاله به طور اخص فاقد پیشینه پژوهش است. اما در برخی از آثار ذیل، در مباحث شکل‌گیری حزب رستاخیز به نشریات وابسته به این حزب که شامل مجله رستاخیز کارگران نیز می‌شود، اشاره‌ای مختصری داشته‌اند. کتاب حزب رستاخیز؛ اشتباه بزرگ؛ آسیب‌شناسی یک ناکامی بزرگ، نوشته مظفر شاهی در طی پژوهشی به ارزیابی تشکیل حزب رستاخیز پرداخته‌است. در بخش هفتم این کتاب که به نشریات، کانون‌ها و شوراهای اشاعه‌دهنده اهداف حزب رستاخیز اختصاص یافته، از مجلات و نشریاتی یاد شده که اهداف این حزب را به متن جامعه منتقل می‌کردند. نویسندگان تنها در چند خط به چگونگی شکل‌گیری مجله رستاخیز کارگران و رویکرد آن اشاراتی کلی کرده‌است. در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «چگونگی تشکیل، فعالیت و انحلال حزب رستاخیز» پژوهش فاطمه بیگدلی ضمن پرداختن به چگونگی شکل‌گیری و انحلال این حزب، در فصل چهارم، مجله «رستاخیز کارگران» معرفی شده اما در این پایان‌نامه نیز اشاره‌ای به موضوع کارگران و رویکرد این مجله به مسئله زنان کارگر نشده‌است. بنابراین مقاله حاضر رویکردی متفاوت با پژوهش‌های دیگر دارد.

برای تحلیل داده‌های مستخرج از مجله رستاخیز کارگران از تکنیک تحلیل محتوا^۱ استفاده شده‌است. «تحلیل محتوا یک شیوه تحقیقی است که برای تشریح عینی، منظم، و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود» (berelson, 1952:18). تحلیل محتوا در واقع کشف معنای پنهان داده‌ها یا واحدهای مورد تحلیل از ورای گفته‌ها، آمارها، تصویرها و... است (فرخزاد، ۱۳۸۴: ۲۶۹). تحلیل محتوا عنوان کلی است که برای روش‌های تحلیل، تفسیر و تأویل، تحلیل ساختاری (پرداختن به واژه‌ها و جملات و حجم مطالب برحسب موضوع) و تحلیل کمی (استفاده از آمار) به کار می‌رود (فرخزاد، ۱۳۸۴: ۲۶۹). واحد تحلیل که یکی از مهم‌ترین بخش‌های تحلیل محتوا است به هدف و مسئله تحقیق بستگی دارد. گاهی ممکن است یک کلمه یا یک پاراگراف و یا کل مطالب را واحد تحلیل در نظر گرفت (بدیعی، ۱۳۸۰: ۱۱). در هر بخشی از مجله مذکور که در ذیل آن از مسائل مربوط به زنان کارگر سخن رفته چه در قالب ستون خبری، سرمقاله، مصاحبه، بیانیه و اطلاعیه و

آگهی‌های استخدام به‌عنوان داده‌های پژوهش، مورد استناد قرار گرفته‌است. محتوای این مجله در موضوعات کلی اقتصادی و اجتماعی (آگهی‌های استخدام و کاریابی، تغییر نقش زنان کارگر، بهداشت و سلامت، سوادآموزی، آشنایی با قانون کار، ارتقای مهارت) بررسی شده‌است.

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شماره‌های مجله *رستاخیز کارگران* در فاصله سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۵ ش است. در این بررسی کیفیت محتوایی داده‌ها موردنظر است نه ارائه تحلیل آماری یا کمی از گفته‌ها هرچند به ضرورت و درک بهتر موضوع و در بخشی از مقاله از داده‌های کمی هم استفاده شده‌است. به‌طورکلی هدف پژوهش حاضر بررسی مطالبی است که در این مجله به تغییر و افزایش کیفیت جایگاه زنان کارگر می‌پردازد.

۱. معرفی مجله *رستاخیز کارگران*: اهداف و رویکردها

مجله *رستاخیز* در سوم آذرماه سال ۱۳۵۴ ش با انتشار اولین شماره، موجودیت خویش را اعلام کرد. در اولین شماره این مجله درج شده بود: «مجله حزب *رستاخیز* ملت ایران، این مجله ماهی دو بار منتشر می‌شود» (*رستاخیز*، ۱۳۵۴: ۷/۱). مدیریت آن بر عهده احمد شکرینیا بود. مدتی بعد غلامحسین نظری خامنه در هدایت این مجله با گردانندگان آن همکاری کرد. مدیرمسئول *رستاخیز کارگران* محمدحسین کردبچه و هاشم محجوب بود. محل اداره آن در خیابان بزرگمهر کاشی ۱۴۸ واقع بود. *رستاخیز کارگران* با تیراژ هزار نسخه انتشار می‌یافت (شاهدی، ۱۳۸۲: ۱/۳۹۰-۳۹۱). در نخستین شماره اهداف این مجله این‌گونه تشریح شده بود: «با بررسی و مطالعاتی که در جریان است سعی شده‌است این مجله به‌نحوی که مورد استقبال کارگران کشور قرار گیرد انتشار یابد و درعین‌حال از نظر آموزش مسائل سیاسی، اجتماعی، کارگری و غیره نیز برای کارگران مجله‌ای سودمند گردد.» (آرشو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۴۰/۱۳ به نقل از: بیگدلی و یزدانی مقدم، ۱۳۹۶: ۱۲۵).

طبق گفته‌های شاه وسایل ارتباط‌جمعی و روزنامه‌ها باید پیام‌رسانی فلسفه انقلاب شاه و ملت را به جامعه و مردم منتقل می‌کردند (پهلوی، ۱۳۴۵: ۱۸۹). لازم به ذکر است که هم‌زمان با تأسیس حزب *رستاخیز*، نشریاتی که نگاه انتقادی به دولت داشتند توقیف شدند.

در سال ۱۳۵۳ ش حدود ۶۳ مجله اعم از مجله و روزنامه پس از ارزیابی و کنترل ساواک توقیف شدند (برزین، ۱۳۷۱: ۲۱۲؛ بهزادی، ۱۳۷۵: ۱۳۷/۱). این مجله به‌گونه‌ای در راستای اهداف انقلاب سفید شاه عمل می‌کرد: «راه ما راه انقلاب است و راه رستاخیز و هدف تمدن بزرگ می‌دانیم که نقش کارگران ایران در راه رسیدن به این هدف متعالی نقشی سازنده و سترگ است» (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۷/۱). در همین شماره مسئولیت مجله، انعکاس خواسته‌ها و مشکلات کارگران عنوان شده است. «مشکلات فردی و اجتماعی خود را صریح و بی‌پرده با ما در میان بگذارید. بنویسید، تماس بگیرید و بخواهید که ناشر افکار و خواسته‌های قانونی شما باشیم. بما اجازه دهید تا با آگاهی از مسائل جمعی شما گامی مثبت در جهت رفاه بیشتر شما برداریم.» (همان: ۲۷)

مجله رستاخیز به‌طور کلی به مسائل معیشتی و فرهنگی و اجتماعی کارگران از جمله تعریف قانون کار و مضمولان این قانون، رویدادهای سیاسی و اجتماعی مربوط به کارگران و حوادث حین کار و سرگرمی و داستان‌های کارگری پرداخته است. ویژگی بارز این مجله نسبت به مجلات حاضر در این عصر که اختصاص به زنان داشت، طبقه زنان کارگر را مورد توجه قرار داده و در هر شماره مطالبی به این گروه اختصاص داده است. از دلایل اشتغال زنان در کارخانه‌ها و مراکز تولیدی و آموزش کارگران ماهر تا راهکارهای حفظ سلامتی و تغذیه برای کارگران زن و مصاحبه با آنان مطالبی درج شده است. در ادامه مهم‌ترین رویکردهای این مجله در خصوص کارگران زن را مورد بحث قرار خواهیم داد.

۲. تشویق زنان کارگر به تغییر نقش اجتماعی

در اغلب جوامع مهم‌ترین نقش و فعالیت زن، مادری است و خانواده قلمرو اصلی زندگی آنان تلقی می‌شود. در ایران نقش مادری با توجه به تأکیدهای مذهبی و سنتی پررنگ‌تر است. افزایش نقش یک شخص، در کنار وظایف متعددی که به وی تحمیل می‌کند، در تقویت پایگاه اجتماعی و کامروایی وی نیز قابل مشاهده است (رستگار خالد، ۱۳۸۵: ۶۹). بی‌تردید در دنیای مدرن، کار در خارج از خانه با دستمزد خوب که پاداش مادی آموزش و کسب تخصص است، حق انتخاب و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری و قدرت آنان را در خانواده افزایش می‌داد (مغیثی، ۱۳۹۸: ۷). البته فرصت‌های شغلی برای زنان در جوامع

مختلف با مذاهب خاص و با توجه به هنجارها و رفتارهای مختلف و ارزش‌های فرهنگی و قومی متغیر است (Fernandez, 2013: 1).

مجله *رستاخیز کارگران* برای پررنگ کردن نقش زنان در پیشبرد طرح‌های اقتصادی دولت، حضور زنان کارگر در کارخانه‌ها و چرخه تولید را بسیار مهم جلوه داده‌است. مجله طی شماره‌های مختلف برای تشویق زنان از طریق مصاحبه با محمدرضاشاه پهلوی و سایر رجال سیاسی چون امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل حزب *رستاخیز (رستاخیز کارگران)*، (۱۳۵۴: ۱/۶)، امیر قاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی (*رستاخیز کارگران*، ۱۳۵۴: ۱/۶) و کارفرمایان ضمن قدردانی از حضور زنان کارگر، آنان را عنصر مهمی در اقتصاد معرفی کرده‌است چنانکه در مصاحبه‌ای با محمدرضاشاه می‌نویسد: «در آینده این مملکت، زن‌ها خیلی فرصت نشان دادن خودشان را خواهند داشت... درصد زیادی از زنان مملکت می‌توانند مشغول به کار باشند و نیروی فعال مملکت به این طریق برود بالا» (*رستاخیز کارگران*، ۱۳۵۴: ۴/۱). اهداف اشتغال زنان کارگر بیشتر در قالب کلماتی مثل «رفاه»، «استقلال مادی»، «خرید اشیا لوکس و گردش»، «کمک به خانواده» توصیف شده‌است که هم وجه شخصی و هم وجه خانوادگی اشتغال زن را نشان می‌دهد (*رستاخیز کارگران*، ۱۳۵۴: ۱۳/۷). زنانی که مورد مصاحبه این مجله قرار گرفتند دلایل اشتغال خود را ایجاد غرور و عزت‌نفس در خود عنوان کردند به بیانی دیگر مجله بازتابی از اندیشه استقلال اقتصادی زنان بود: «کار کردن در بیرون از خانه به زن غرور می‌دهد... از کار کردن بدون منت کسی زندگی خود را به‌راحتی اداره می‌کنم» (همان: ۱۶). در میان مصاحبه‌های انجام‌شده در شماره‌های متعدد تنها یک نفر به ذوق و سلیقه زنان که منجر به گشودن راه‌های جدید در صنعت خواهد شد، اشاره کرده‌است (*رستاخیز کارگران*، ۲۵۳۵: ۷۰/۱۳). این امر نشانی از آگاهی از ظرفیت‌های ذاتی زنان در امر اشتغال است.

۱.۲. تأکید بر توانمندی زنان

مجله *رستاخیز کارگران* در ستونی تحت عنوان «زنانی که کار می‌کنند و مسائل مربوط به آنان» ضمن نشان دادن توانمندی زنان در مشارکت اقتصادی، تأکید می‌کند که دیگر توانمندی به معنای داشتن نیروی جسمانی قوی نیست. این مجله به تفصیل توانمندی زنان

را این‌گونه بیان می‌کند: «زن ایرانی دیگر ظرافت را در رفتار ظریفانه نمی‌داند، ظرافت را در دانایی و توانایی، در هوشیاری و قدرت، در استحکام و استقلال رأی و در بینش و ابزار شخصیت نشان می‌دهد... مهارت ظریفانه زن نه در وصله کردن جوراب‌های پاره بلکه در بعد وسیع‌تر در کارگاه‌های فنی و صنعتی همچون ستون‌های محکم در پیشبرد صنعت سهیم هستند.» (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۱۲/۶) زنان با استفاده از استعدادهاى ذاتی خود می‌توانند در کنار مردان نقش‌آفرینی کنند. پیشرفت فوق‌العاده صنایع و پیشرفت‌های علمی جدید حضور زنان در بازار کار و فعالیت اقتصادی را ضروری ساخته‌است. از سوی دیگر «تکنیک‌های جدید به‌کاررفته، دیگر تنها به نیروی جسمانی نیاز ندارد، بلکه ظرافت، دقت و مراقبت را افزایش داده و زنان با مردان را به لحاظ روانی برابر دانسته و فرصت‌های شغلی زنان را افزایش داده‌است.» در ادامه از کارگاه‌هایی مانند کارگاه الکترونیک مثال می‌زند که احتیاج به مهارت و ظرافت کار زنان دارد که با اندکی مهارت‌آموزی می‌توانند استخدام شوند. (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۱۲/۷).

۲.۲. غیبت ضروری زنان از خانه به‌عنوان مادر

در مصاحبه‌هایی که با زنان متأهل کارگر صورت گرفته از تداخل اشتغال و فرزند پروری و کارهای خانه سؤال شده‌است. مجله سعی در نشان دادن طبیعی بودن حضور زنان در خارج از خانه به‌عنوان «زن شاغل» دارد تا قبح سنتی غیبت زن از خانه در اذهان را تضعیف کند (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۱۲/۷). تعریف از نقش مادری جدید که از دوره رضاشاه آغاز شده و زن را در تربیت و امور خانواده سهیم کرده بود (حسینی، ۱۴۰۰: ۲۶) اینک نقشی فراتر از یک مادر مطلق در خانه، برای زن در نظر گرفته شده بود: مادر شاغل. اگر دوره رضاشاه را آغاز توسعه اقتصادی و دهه پنجاه را دوره رشد توسعه اقتصادی در نظر بگیریم، مشارکت زنان در بعد اقتصادی افزایش چشم‌گیر داشت. تغییر بافت فرهنگی جامعه زمینه را برای حضور زنان بیشتر فراهم می‌کرد. یک واقعیت مهم در ذهنیت زنان، داشتن محور ذهنی مردانگاران است که فقط مردان حق بودن در خارج از خانه در نیمی از روز دارند و این غیبت از سوی خود زنان، یک امر نامتعارف بود. «در خانواده‌های سنتی‌تر و مذهبی، دختر شاغل ممکن بود بی‌مسئولیت یا حتی سبک‌سر تلقی شده و شانس ازدواج را از دست بدهند.» (مغیثی، ۱۳۹۸: ۷۳) بنابراین عادی‌سازی حضور زنان در محل کار بدون احساس شرم و یا

گناه، از اهداف مجله است. البته مجله توجه به بافت سنتی جامعه و تفکر خود زنان داشته و هرگز به دنبال زدودن نقش مادری نیست؛ با سر تیتراهایی چون «چرا کار می‌کنند و چطور کار» خانه» و «کارخانه» را تنظیم می‌کنند؟ (رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۲۸/۱۱) درصد نشان دادن نقش زن شاغل در کنار وظایف مادری است. زنان کارگر نیز در مصاحبه‌های خود عدم تضاد وظایف این دو حیطه را بیان کردند. «وقتم را طوری تنظیم کرده‌ام که به هیچ‌یک از کارهایم لطمه وارد نیاد و به کارهای خانه هم برسیم» (همان: ۱۷). تنها در یک شماره با پررنگ کردن نقش مردان در کمک و نگهداری فرزندان، در جهت فرهنگ‌سازی امر مشارکت در امور خانه و کاهش خستگی و زحمت زنان در به دوش کشیدن کارهای خانه، به تشویق همکاری زن و مرد در کارهای منزل مقاله‌ای را تنظیم کرده‌است (همان: ۲۰).

۳. آگهی‌های کاریابی

مجله رستاخیز در هر شماره آگهی‌های کاریابی را با عنوان «بازار کار» در دو صفحه درج می‌کرد که نیروی موردنیاز مؤسسات و مراکز مختلف به کارگر را با ذکر شرایط احراز آن شغل اعلام می‌کرد. این آگهی‌ها از لحاظ ذکر و یا عدم ذکر جنسیت به دو دسته تقسیم می‌شوند. آگهی‌هایی که شامل شغل‌های صرفاً زنانه یا مردانه است. اغلب کارهای لوله‌کشی، بتون‌ریزی، تراشکاری، آهنگری، صافکاری، مکانیک ماشین‌آلات و شغل‌هایی از این دست در این آگهی‌ها به مردان اختصاص یافته‌است. برخی از مشاغل ذکر شده در این آگهی‌ها اختصاص به گروه خاصی نداشته و به صورت مشترک از زنان و مردان دعوت شده‌است. البته در بین آگهی‌های استخدام، شغل‌هایی بودند که جنسیت در آن ذکر نشده‌است.

اغلب آگهی‌های کاریابی که شامل زنان نیز می‌شد، شغل‌های کمتر تخصصی و یا بدون تخصص بود. نکته دیگر که در این آگهی‌ها به چشم می‌خورد عدم لزوم سابقه کار در همین مشاغل برای زنان است. همچنین در این آگهی‌ها میزان سواد جوینده کار درج شده‌است. مثلاً داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن و سیکل برای مشاغلی مثل تلفنچی، خدمتگزار و برای مشاغل تخصصی مانند ماشین‌نویسی که نیاز به تحصیلات بالا (دیپلم) داشت به تفکیک شغل‌ها اعلام شده‌است. نکته حائز اهمیت در بررسی این آگهی این است که برخی از این مشاغل که به نظر زنانه می‌رسد مانند خیاطی و آشپزی، از مردان دعوت به کار شده بود (رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۲۱/۵۴).

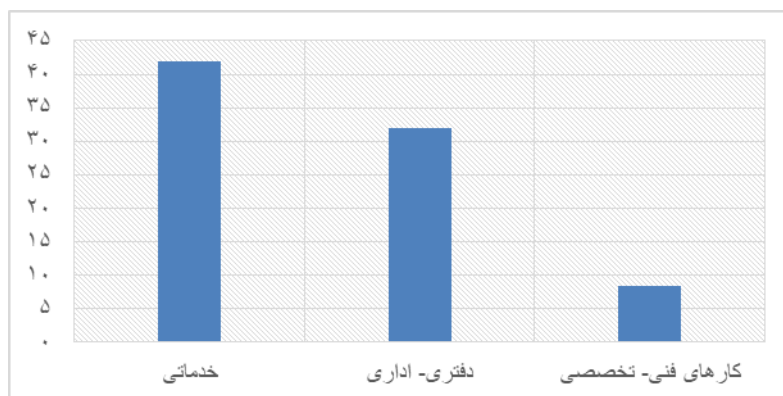
جدول فراوانی نوع مشاغل استخدامی زنان (۱۳۵۴-۱۳۵۵) مستخرج از مجله رستاخیز کارگران

سال ۱۳۵۵	سال ۱۳۵۴	عنوان شغل‌های کاریابی	مجموع کل آگهی‌ها
۰ مورد	-	۰	۲۳
۲ مورد	-	تلفنچی خیاط	۲۲
۴ مورد	-	آشپز (زن و مرد) - پانچيست ماشين نويس - کارگر ساده	۲۵
۲ مورد	-	نظافتچی - تلفنچی	۲۴
۲ مورد	-	سکرتري ماشين نويسی فارسی و لاتین (زن و مرد)	۲۳
۱ مورد	-	سکرتري باتجربه	۲۴
۲ مورد	-	ماشين نويس - دفتردار	۲۴
۲ مورد	-	توليد مواد غذایی ماشين نويسی	۲۴
۴ مورد	-	فروشنده زن - بسته‌بند - مستخدم منزل نظافتچی منزل (زن و مرد گروهی)	۲۴
-	۵ مورد	بسته‌بند، ماشين نويسی فارسی کارگر ساده - بسته‌بند فروشنده زن - دست‌دوز (زن و مرد)	۲۴
-	۹ مورد	خدمتکار منزل - پانچيست دفتردار - ماشين نويس کارگر ساده - فروشد	۲۶
-	۳ مورد	ماشين نويسی (زن و يا مرد) خدمتکار - کارگر دفتری	۱۸
-	۴ مورد	ماشين نويس لباس شویی خدمت‌گزار کارگر ريسندگی	۳۶

از ارزیابی جدول بالا می‌توان به مواردی از این دست اشاره کرد:

۱. دامنه انواع شغل‌ها که در این سال‌ها به زنان عرضه می‌شود بسیار محدود است و غالباً از منشیگری، کارگر ساده، بسته‌بند... فراتر نمی‌رود.
۲. با توجه به اینکه در این آگهی‌ها تعداد نفرت مورد نیاز در بهترین حالت پنج نفر قید شده‌است، به نظر می‌رسد این آگهی‌ها بیشتر به مؤسسات کوچک و یا منازل شخصی اختصاص داشته‌است.
۳. در هیچ‌کدام از این آگهی‌ها از کلمه پاره‌وقت برای شغل‌هایی که از زنان دعوت شده‌اند، استفاده نشده بود.

از بررسی آگهی‌های کاریابی بین سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۵ ش و ذکر شغل‌هایی که به زنان اختصاص داده شده می‌توان به این امر پی برد که فرصت‌های شغلی زنان در مقایسه با مردان بسیار ناچیز بود. اغلب مشاغل غیرتخصصی و ساده و بدون نیاز به مهارت در اختیار زنان قرار داشت. از مشاغل ذکر شده هجده مورد مربوط به کارهای خدماتی است یا به عبارتی ۴۲ درصد مربوط به ردیف شغل‌هایی است که نیازی به مهارت و سواد بالایی ندارند. ۳۱ درصد شامل شغل‌های دفتری-اداری است. اگر خیاطی و دست‌دوزی را در ردیف حرفه‌های تخصصی قرار دهیم درصد ناچیز ۴/۸ شامل کارهای فنی خواهد بود. به نظر می‌رسد جامعه بازار کار هنوز به زنان در کارهای تخصصی اعتماد لازم را نداشت. سخن از زنان کارگر و دعوت از آنان برای فعالیت اقتصادی که با تبلیغات رسانه‌ای همراه بود جز ادای تکلیف انقلاب سفید نسبت به زنان نبود.



نمودار توزیع شغلی زنان در آگهی های کاریابی

۴. تأکید بر آشنایی زنان کارگر با قانون کار

از آنجایی که درصد زنان باسواد کارگر به نسبت مردان کمتر بوده (مرکز آمار ایران، ۲۵۳۶: ۳۷)، آموزش قانون کار برای زنان از سوی برخی از نهادها مانند سازمان زنان ایران در رأس برنامه ها بود. این سازمان کتابی در جهت آگاه سازی زنان از حقوق کاری خود به صورت مصور و زبان ساده تدوین کرد (سازمان زنان ایران، بی تا) در این میان مجله رستاخیز با یادآوری حقوق کار زنان از طریق نگارش مقاله و یا پاسخ به نامه های حقوقی و ستون پرسش و پاسخ و مصاحبه با نمایندگان سندیکاهای کارگری در صدد شفاف سازی و بیان قانون کار مختص زنان بود. از مهم ترین این قوانین می توان به مرخصی زایمان، داشتن فضای مهد کودک و شیرخوارگاه، عدم منع اشتغال زنان و داشتن دستمزد مساوی با مردان اشاره کرد.

این مجله قوانین مربوط به زنان را در سه دسته خلاصه کرده و در شماره های مختلفی به بخش از این موارد پرداخته است: قوانینی که مربوط به حمایت از زنان به لحاظ وضع جسمی آنها وضع شده است. قوانینی که به لحاظ مادر بودن و نیز حفظ سلامت کودک در نظر گرفته شده است و قوانینی که مربوط به حمایت زنان کارگر است (رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۷۵ / ۱۳).

در کنار بی‌اطلاعی و یا کم‌اطلاعی زنان از قانون کار باید از کارفرمایانی هم یاد کرد که قانون کار را در مورد کارگران اجرا نمی‌کردند (بی‌نا، ۱۳۴۸: ۱۶). زنان به دلیل سپری کردن دوران بارداری و زایمان شرایط بدتری داشتند کارفرمایان ماده ۶ قانون مربوط به مرخصی زایمان (صورت مذاکرات مجلس: ۱۷ خرداد ۱۳۲۸) را اجرا نمی‌کردند و یا پس از بارداری درصد اخراج کارگران زن بودند. یا اینکه پس از طی کردن مرخصی زایمان، مجدد با او قرارداد کار بسته نمی‌شد. مجله *رستخیز کارگران* برای زنان کارگر ماده ۷ قانون کار (موظف کردن کارگاه‌ها و مراکز تولیدی به ایجاد مکانی برای نگهداری کودکان و نوزادان زنان کارگر) و ماده ۲۰، ممنوع بودن کارهای سخت و زیان‌آور را به صورت مشروح شرح داده بود و سؤالات و ابهامات کارگران را که در این زمینه پاسخ می‌داد. (*رستخیز کارگران*، ۱۳۵۴: ش ۳/۳۶: *رستخیز کارگران*، ۱۳۵۴: ش ۷/۸۹)

۵. ارتقای آگاهی زنان کارگر در زمینه سلامت و بهداشت خود و فرزندان

۱.۵. بهداشت و ایمنی محیط کار

مجله *رستخیز* در موارد متعدد به داشتن مهدکودک و محل نگهداری نوزادان زنان کارگر تأکید دارد و گوشزد می‌کند که به لحاظ قانونی کارفرما باید برای کارگران زن بالای ده نفر، مکانی برای نگهداری اطفال کارگران فراهم کند که مجهز به مربیان کارآزموده باشد که بهداشت و سلامت کودکان تأمین گردد (*رستخیز کارگران*، ۲۵۳۵: ۴۹/۱۲). مجله با یادآوری ماده ۶ قانون اساسی (محل کار بهداشتی و مناسب کارگران) (صورت مذاکرات مجلس: ۱۷ خرداد ۱۳۲۸) لزوم رعایت بهداشت محیط از سوی کارفرما را توضیح داده است. مثلاً در مواردی که زنان در کارخانه‌های نساجی و دخانیات که توأم با گردوخاک کار می‌کردند، استفاده از شیر و ماست و تخم‌مرغ روزانه و ماسک را وظیفه کارفرما دانسته و به کارگران زن تأکید می‌کند که این موارد توجه داشته باشند (*رستخیز کارگران*، ۱۳۵۴: ۹/۳). این مجله همچنین در مقالاتی از بعد توجه به سلامت جسمی کارگران برنامه‌های غذایی مقوی برای زنان کارگر و فرزند بیمارشان پیشنهاد می‌کند.

استفاده از لباس کار برای کارگران از موضوعاتی است که این مجله به آن پرداخته است. با توجه به اینکه زنان اغلب دارای موی بلند بودند، استفاده از سربند و کلاهی که موها را

پوشش دهد تا حین کار با دستگاه‌ها و ابزارهای کار برخوردی نداشته و به زنان آسیبی وارد نشود، توصیه شده‌است. به‌خصوص کار با مته‌های برقی که احتمال گیر کردن موی سر به دستگاه و در نتیجه آسیب به کارگر در حین کار وجود داشت (رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۱۷/۶۴). گفتنی است که زنان کارگر سربندهای خود را به شکل نادرست می‌بستند و «زنان حاضر نیستند دسته‌های روسری را به عقب ببرند، به‌طور کلی روحیه غیرصنعتی به‌خصوص بین کارگران زن به چشم می‌خورد» (بی‌نا، ۱۳۴۸: ۲۰). برای رفع چنین مشکلاتی در کارخانه‌ها «کمیته حفاظت» ضمن آموزش ایمنی کار، جزوهای آموزشی را تدوین و در اختیار کارگران قرار می‌دادند (رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۱۹/۵۶). لزوم استفاده از وسایل خود مراقبتی در محل کار اعم از دستکش صنعتی، کلاه و عینک که از اعضای بدن محافظت می‌کنند به‌کرات در رستاخیز کارگران تشریح شده‌است (رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۳۸/۱۰).

۲.۵. بهداشت مادر و کودک

زنان کارگر چون بیش از نیمی از وقت خود را در بیرون از خانه صرف می‌کنند، برای مادران خسته چگونگی برخورد صحیح با فرزندان اهمیت می‌یابد. خستگی و بی‌حوصلگی مادر ممکن است در نوع تربیت فرزند تأثیر سوئی داشته باشد. مجله رستاخیز کارگر در زیرمجموعه ستونی به نام زندگی، دستورالعمل‌ها و توصیه‌هایی را برای والدین بیان می‌کند که هم بار زحمت والدین را کم کند و هم کلام والدین برای فرزندان تأثیرگذار باشد (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۳/۵۹). یکی دیگر از توصیه‌های مجله متوجه کردن زنان کارگر به تعداد دفعات زایمان بود که سلامتی آنان را در معرض خطر قرار می‌داد (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۲۳/۵).

به‌طور کلی چون مراقبت و پرستاری از فرزندان اغلب بر عهده زنان است، توصیه‌های بهداشتی که مخصوص هر فصل است در ستون جداگانه‌ای در این مجله جای گرفته‌است. در یکی از شماره‌ها با تیتراژ «برای آن گروه از خواهران و برادران کارگر که دارای بچه هستند» دستورالعمل‌های بازدارندگی و مراقبتی از بیمارهای واگیردار در صدر خبرهای پزشکی آمده‌است. به مادران توصیه می‌شود ضمن مراقبت از فرزندان، رژیم غذایی فرد بیمار

هم رعایت شود تا هم بیمار بهبود یابد و هم زحمت کمتری را مادر متحمل شود (رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۱۷/۲۵؛ رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۱۹/۵۹)

۳.۵. ورزش و تندرستی زنان کارگر

مجله رستاخیز در جهت یادآوری سلامت مادران و دختران کارگر، انجام ورزش‌های جمعی و فردی را توصیه می‌کرد. به همین منظور در ستون خبری تحت عنوان « مسابقات ورزشی کارگران»، فعالیت‌های ورزشی زنان کارگر را تحت پوشش قرار می‌داد. ورزش کارگران هیچ منع قانونی نداشت و از سال ۱۳۱۳ اولین باشگاه ورزشی تشکیل شد. برخی از کارخانه‌ها زمین‌هایی برای ورزش فوتبال و تنیس برای کارگران در نظر گرفته و وسایل لازم را در اختیار آنان می‌گذاشتند (رجائی، ۱۳۹۳: ۱۵۳). به‌طور رسمی از سال ۱۳۴۷ نخستین مسابقات ورزشی زنان کارگر برگزار شد. تنها کارگرانی می‌توانستند در این مسابقات شرکت کنند که دارای کارت بیمه کارگری بوده و مشمول قانون کار باشند (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۲/۹۶). برگزاری برخی از این مسابقات در رشته‌های ورزشی مختلف، بنا به یک مناسبت خاصی مانند تولد شهبانو برگزار می‌شد (رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۲۴/۱۱۲). مهرانگیز حجازی معاون امور اجتماعی وزارت کار و امور اجتماعی در زمینه ورزش کارگران معتقد بودند همان‌گونه که داشتن سواد برای کارگر نوعی امتیاز شغلی محسوب می‌شود، باید به کارگران ورزشکار حق ورزش پرداخت شود (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۸/۹۶). در برخی از کارخانه‌های بزرگ سرویس ایاب و ذهاب جداگانه‌ای برای ورزشکاران کارخانه در نظر گرفته شده بود تا پس از تعطیلی کار، دغدغه بازگشت به خانه را نداشته باشند (رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۲۰/۹۵). مجله رستاخیز کارگران به مشکلات ورزشی زنان کارگر پرداخته که عبارت‌اند از: ۱. سختگیری کارفرمایان؛ ۲. نداشتن مربی؛ ۳. عدم همکاری وزارت کار با ورزشکاران زن؛ ۴. نداشتن تأسیسات و امکانات ورزشی؛ ۵. نداشتن وقت کافی برای ورزش کردن که در صورت مرخصی ورزشی خارج از محیط کارخانه از حقوق آنان کم می‌شد (همان / ۹۸). این مجله بیان نمی‌کند که اغلب شرکت‌کنندگان این مسابقه دختران جوان در کارخانه‌های بزرگ چون ارج، آزمایش... بودند و کارگران زن متأهل و زنانی که در کارگاه‌های کوچکی بودند، امکان استفاده از این امکاناتی را نداشتند. توجه به قشر کارگران

نخبه و نادیده گرفتن خیل عظیم زنان کارگر فرودست در کنار بزرگنمایی برنامه‌های رفاهی این چنین از رویکرد ایدئولوژیکی مجله خبر می‌دهد.

۶. تأکید بر عضویت زنان کارگر در سندیکاهای کارگری

با توجه به افزایش زنان در صنوف مختلف کاری لزوم حضور زنان در سندیکاهای ضروری بود. اما زنان حضور کم‌رنگی در اتحادیه‌ها کارگری داشتند. اغلب زنان کارگر به دلایل مختلف یا از وجود سندیکاهای کارگری بی‌اطلاع بودند و یا به دلیل سیطره مردان، رغبتی برای حضور نداشتند و آن را امری صرفاً مردانه قلمداد می‌کردند. بنابراین مطالبات کارگری زنان هم اغلب در اتحادیه‌ها دنبال نمی‌شد و یا در اولویت‌های آخر بود (گرت، ۱۳۸۰: ۱۳۱). این وضعیت تنها در ایران نبود بلکه در اغلب کشورهای جهان سوم نیز به چشم می‌خورد. مثلاً در سال ۱۸۷۶م در ژاپن با وجود اینکه زنان ۶۰ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دادند اتحادیه صنفی نداشتند در سال ۱۹۱۸ زنان فقط یک درصد اتحادیه زنان را تشکیل می‌دادند (جای‌وارنده، ۱۳۹۱: ۳۸۶).

مجله *رستاخیز* به‌مانند سازمان زنان ایران بر تشکیل سندیکای کارگران زنان تأکید داشت. از این رو با درج مصاحبه با روسای سندیکاهای کارگری و وزیر کار و امور اجتماعی، معاون اجرایی سازمان زنان، ضمن معرفی سندیکاها و وظایف محوله به آن، زنان کارگر را تشویق به حضور در سندیکاها می‌کرد. البته سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری در این دوره کاملاً در اختیار دولت و نیروهای امنیتی بود و آزادی دهه‌های گذشته را نداشتند (هالیدی، ۱۳۸۵: ۱۶۳) اغلب مزایایی که دولت تشخیص می‌داد، از بالا اعطا می‌شد (Ansari, 2002: 137). با افزایش چشم‌گیر اتحادیه‌ها از ۱۶ مورد در سال ۱۳۴۲ به ۵۱۹ اتحادیه در سال ۱۳۵۱، دولت به‌منظور نظارت بر سندیکاها در سال ۱۳۴۶ یک سازمان مرکزی به نام سازمان کارگران ایران را تشکیل داد (اشرف، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

در اولین شماره این مجله ضمن معرفی سندیکاهای کارگری، از تشکیل واحد زنان کارگر در سازمان کارگران ایران خبر می‌دهد. «در حال حاضر هشتاد هزار کارگر در کارگاه‌های تولیدی و صنعتی فعالیت می‌کنند که مشمول قانون کار هستند و به علت

افزایش زنان کارگر در فعالیتهای صنعتی تشکیلاتی به نام واحد زنان کارگر در سازمان کارگران ایران ایجاد می‌شود تا بتواند پاسخ‌گوی نیازهای زنان باشد... برای راهنمایی زنان کارگر جهت شرکت در انتخابات سندیکاهای کارگری که بتوانند در ارکان سندیکاها مسئولیتی را به عهده بگیرند کلاس‌های آموزشی در سازمان کارگران ایران تشکیل شده است» (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۴۶/۱). برای مستندسازی حضور زنان از تصاویری استفاده شده است که زنان را در کنار مردان در سندیکاها نشان می‌دهد (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۵۲/۹). واحد زنان کارگر البته در سال ۱۳۲۵ ش به ریاست عدل نفیسی ایجاد شده بود، در هیچ دوره‌ای نتوانست برای زنان زیاد مثمر ثمر باشد. ارگانی نو پا که به قول نفیسی، کارمندان آن نیز خیلی به امور کارگری و قانون کار آشنا نبودند (لاجوردی، ۱۹۸۴: نوار ش یک/۱۸)

مجله رستاخیز با استناد به صحبت‌های وزیر کار و سایر سخنرانان در سال جهانی زن، حضور زنان کارگر در سندیکاها را مورد تأکید قرار می‌دهد و از حدود ۸۰۰ سندیکاهای موجود از حضور ناچیز چند درصدی ایشان در سندیکاها خبر می‌دهد (رستاخیز، ۱۳۵۴: ۵/۴۳). هویدا نخست‌وزیر وقت ضمن اعلام پتانسیل‌های صنایع جدید در جذب زنان، از ایشان خواست که ضمن افزایش مهارت‌های خود برای استفاده تمام نیروی خود، در شوراهای کارگری نیز سهیم باشند: «خواهران کارگر در فعالیتهای کارگری بایستی شرکت کنند.» (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۶/۴-۹۱)

اقدام دیگر مجله رستاخیز معرفی نمایندگان زن کارگر و انجام مصاحبه با آنها بود تا ضمن معرفی این قشر از زنان کارگر، فعالیتهای جنبی و توانایی ایشان در دفاع از حقوق کارگران را نشان دهد (رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۱۸/۱۳؛ رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۲۳/۱۵، ۴۶). این مجله چون رویکرد حمایتی از اقدامات دولت داشت هرگز دلیل عدم رغبت به اتحادیه‌های فرمایشی را واکاوی نمی‌کند و یا در ستون‌های خبری-تحلیلی از علل ناکامی کارگران در مطالبه خواسته‌های خود چیزی نمی‌نویسد.

۷. توجه به سوادآموزی زنان کارگر

لزوم سوادآموزی برای کارگران به دوره رضاشاه پهلوی بازمی‌گردد که دولت را وادار

ساخت در تاریخ ۱۳۱۵/۵/۱ طبق ماده سی و چهارم از فصل چهارم «نظامنامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی» کارفرمایان را به تسهیل شرایط تحصیل کارگران در مدارس اکابر مکلف نماید. اما به دلیل کمبود امکانات آموزشی و عدم بسترسازی لازم و قانون‌گریزی کارفرمایان در امر آموزش کارگران و کاستی‌های قانونی به نتیجه مطلوبی نرسید. تصویب قانون آموزش کارگران در تاریخ ۱۳۲۶/۴/۲۲ انجام شد. در این تاریخ کلاس‌های آموزشی شامل مردان نمی‌شد در بعضی از مناطق کلاس‌هایی برای زنان کارگر در کارخانجات دایر شد (کار، ۱۳۲۸: ۳۴ و ۳۵/۱۹، به نقل از احمدزاده، منصور بخت، ۱۴۰۱: ۱۹)

با ایجاد سپاه دانش، دولت سعی در ریشه‌کنی بی‌سوادی در کشور داشت. سازمان زنان ایران نیز به‌عنوان یک نهاد آموزشی، در این زمینه همگام با سیاست‌های آموزشی دولت پیش می‌رفت کلاس‌هایی برای آموزش زنان فراهم کرده بود. (الهام ملک‌زاده، طیبی، حسین‌پور، ۱۳۹۹: ۱۸۴) بر طبق آمارهای موجود در گروه سنی ۱۰-۱۴ ساله میزان سواد زنان در سال ۱۳۳۵ معادل ۱۸/۸ درصد و در سال ۱۳۴۵ حدود ۳۵/۶ درصد است. نتایج آمارگیری سال ۱۳۴۷ این میزان را ۳۱/۱ درصد آمارگیری سال ۱۳۵۰ آن را ۵۰/۰ درصد نشان داده‌است. تحولات میزان سواد گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله و ۲۰-۲۴ ساله نیز قابل توجه بوده‌است. «فعالیت سوادآموزی منحصر به گروه سنی لازم‌التعلیم نبوده، بلکه در گروه سنی بالاتر به چشم می‌خورد و این تحول بیشتر در اثر کوشش‌های سپاهیان دانش بخش بزرگسالان و سازمان پیکار با بی‌سوادی فعالیت وزارت کار و بالاخره سازمان زنان در زمینه سوادآموزی است.» (سازمان برنامه‌وبودجه مرکز آمار ایران، ۱۳۵۱: ۲۳)

مجله *رستاخیز کارگران* گزارش‌های مبسوطی از چگونگی سوادآموزی کارگران ارائه می‌کند. این مجله با توصیف وضعیت کارخانه‌های مدرن و لزوم استفاده از اپراتورهای باسواد، کارگران را از اهمیت سوادآموزی برای کار در چنین کارخانه‌هایی مطلع می‌کند. دفتر باسواد کردن وزارت کار و امور اجتماعی که عهده‌دار باسواد کردن کارگران در سراسر کشور بود. از طریق اعزام معلم و وسایل کمک‌آموزشی، کارگاه‌ها و کارخانجاتی که کارگران بی‌سواد داشتند، تشویق می‌کرد تا از طریق شرکت در کلاس‌های پیکار با بی‌سوادی، باسواد شوند. مجله *رستاخیز* در تمام گزارش‌های خود آمارهای سوادآموزی زنان کارگر را ذکر

کرده‌است برای نمونه: «در دومین دوره کلاس‌های پیکار با بی‌سوادی کارگران کارخانه داروگر ۹۰ کارگر شرکت داشتند. که ۶۲ نفر در دو کلاس اول هستند که ۱۴ نفر آن‌ها را زنان و بقیه را کارگران مرد، ۲۸ نفر در دوره دوم آموزش می‌بینند که از این تعداد ۸ نفر زن هستند. کارگرانی که موفق به گذراندن دوره دوم شوند به میزان ۵ درصد اضافه‌حقوق دریافت می‌دارند» (رستاخیز، ۱۳۵۴: ۵۲/۲). ذکر این نکته ضروری است که با وجود تشویقاتی که برای کارگران در کارخانه‌ها صورت می‌گرفت چندان رغبتی از سوی زنان کارگر دیده نمی‌شد. زن کارگر با داشتن مسئولیت خانواده ترجیح می‌دهد که پس از کار فوراً خود را به منزل برساند و امور آنجا را سروسامان دهد و احتیاج به داشتن سواد را احساس نمی‌کرد (بی‌نا، ۱۳۴۸: ۱۲). این مجله به‌نوعی درصدد اعلام اخطار به کارگران بی‌سواد هست که در صورت عدم سوادآموزی از سوی کارفرمایان کنار زده خواهند شد (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۷/۲۷-۸۹). با وجود بهبود زمینه‌های آموزشی و اشتغال زنان، همچنان عدم توازن قدرت بین زنان و مردان وجود داشت و مردان همچنان فرصت شغلی بهتر و بیشتری را در اختیار داشتند (yeganeh, 1993: 6).

۸. آموزشگاه‌های شبانه‌روزی کارآموزی

تأمین نیروی انسانی ماهر با توجه به توسعه اقتصادی کشور در سال‌های بعد از ۱۳۵۰ اهمیت ویژه‌ای یافت. «شاید مزمن‌ترین ترمز توسعه اقتصادی ایران، نوع انسانی باشد. ازجمله این موارد کمبود نیروی انسانی ماهر است. پیش‌بینی می‌شود با برنامه پنج‌ساله فعلی ۲/۱ میلیون شغل اضافی ایجاد شود اما در خوش‌بینانه‌ترین ارزیابی، فقط ۱/۴ میلیون ایرانی واجد شرایط برای پر کردن آن‌ها هستند که تخمین زده می‌شود بیش از ۷۲۰،۰۰۰ نفر کمبود داشته باشند» (Watson, 1976: 25). پس از تصویب قانون کارآموزی در سال ۱۳۴۹ دولت و مراکز خصوصی با ایجاد مراکز فنی‌وحرفه‌ای به دنبال ارتقای کار ماهر بودند. «افزایش نیازمندی به کارشناسان فنی و کارگران ماهر موجب گردید که شبکه هنرستان‌ها و آموزشگاه‌های فنی در کشور گسترش یابد. در سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۶۲ در ایران فقط ۶۴ آموزشگاه فنی دایر بود که هشت هزار و سیصد هنرآموز در آن‌ها تحصیل می‌کردند. در سال ۱۹۷۲-۷۳ شمار آموزشگاه‌ها به ۳۰۹ رسید و ۶۵ هزار و ۷۰۰ هنرآموز در آن‌ها

تحصیل می‌کردند ولی این تعداد آموزشگاه و هنرجو در مقابل نیاز کشور به کارشناس فنی و ماهر بسیار ناچیز است (ایوانف، ۱۳۵۶: ۲۵۱). منوچهر آزمون وزیر کار و امور اجتماعی طی مصاحبه‌ای راه‌حل سریع و به‌صرفه در زمینه تربیت نیروی ماهر را تأسیس یک آموزشگاه ساده توسط واحدهای تولیدی می‌داند که توسط استادکاران همان واحد تشکیل و به آموزش کارگران بپردازند. (رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۱۲/۲۲) تشکیل واحدهای آموزشی سه ماه و شش ماه در کارخانه‌ها می‌توانست نیروی ساده را به یک نیروی ماهر تبدیل کند (رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۱۳/۱۸).

برنامه انقلاب سفید که دربردارنده بندهایی در مورد زنان بود، علاوه بر مدرنیزه کردن تلاشی برای تغییر زندگی اقتصادی و تفکر آنان در مورد معنای کار در ایران جدید صنعتی بود (بهرامی‌تاش، ۱۳۹۱: ۱۱۷). در این میان استفاده گسترده از نیروی زنان کارگر، توجه دولت را به سمت آموزش حرفه‌ای زنان سوق داد.

آموزش‌ها یا در محل کار فرد و یا در بیرون و در مؤسسات صورت می‌گرفت. زن کارگری که دوره‌های آموزشی را در یکی از مؤسسات گذرانده بود، شانس استخدام وی افزایش می‌یافت. مجله رستاخیز کارگران که در راستای سیاست‌های دولت حرکت می‌کرد، از طریق درج لزوم آموزش و معرفی مراکز فنی و حرفه‌ای و تعداد زنانی که در این مراکز دوره می‌دیدند، بر حضور و استفاده حداکثری از نیروی زنان تأکید داشت (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۴۶/۱۱: ۱۳۵۴: ۵۰/۷-۵۱).

از سوی دیگر این مجله با معرفی چنین امکان‌های آموزشی سعی در تغییر نگاه سنتی جامعه نسبت به زنان و ارتقای مهارت کارگران زن داشت. رستاخیز کارگران به مراکز مهارت‌آموزی مانند مرکز نمونه نساجی واحد کرج که با بهره‌گیری از مربیان خانم درصدد رفع نگرانی‌های خانواده‌های سنتی در زمینه آموزش بود، پرداخته‌است (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۵۰/۷). مجله رستاخیز کارگران در شماره‌هایی، تصاویری از زنان کارآموز منتشر کرده بود تا قبح سنتی ورود زنان به شغل‌های مردانه را از بین ببرد و توانایی زنان را به تصویر بکشد (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۵۱/۹).

تعداد نفرات کارآموزان زن بسیار ناچیز بود. مثلاً می‌توان به حضور ۱۴۸ نفر مرد در کنار ۱۴ زن شرکت‌کننده در مرکز تعلیمات حرفه‌ای شماره سه تهران اشاره کرد. به نظر می‌رسد از دیگر انگیزه‌های این مجله از ذکر حرفه‌های آموزشی مانند نقشه‌کشی ساختمان، تعمیر رادیو تلویزیون، مکانیک و ساختمان، عادی انگاری مشاغل به‌ظاهر مردانه برای زنان بود (رستاخیز کارگران، ۲۵۳۵: ۵۰/۱). نمود دیگر عادی‌سازی از سوی مجله رستاخیز پوشش دادن به مسابقه «مهارت کارگران» بود.

یکی از اقداماتی که در سال ۱۳۵۵ش جهت تشویق کارگران به مهارت‌آموزی صورت گرفت، برگزاری مسابقه مهارت فنی در رشته‌های مختلف چون آهنگری، سیم‌کشی ساختمان، ورق‌کاری، ریسندگی، الکترونیک، جوشکاری، تعمیر رادیو و تلویزیون، لوله‌کشی، بنایی، ریخته‌گری... بود که به برندگان هر دوره مدال همایونی داده می‌شد. حضور زنان در این دوره مسابقات خود گام مهمی در پذیرش مهارت زنان کارگر در عرصه فعالیت‌های اقتصادی بود. اغلب زنان در رشته‌های ریسندگی، الکترونیک و تعمیرات وارد مسابقه می‌شدند. البته در زمینه بنایی و مکانیکی و تراشکاری نیز زنان کارگر مسابقه می‌دادند (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۴۹/۷؛ رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۴۸/۹).

با ذکر تعداد اندک زنان شرکت‌کننده کارگر در این مسابقات که هر سال در یکی از شهرها برگزار می‌شد، می‌توان به دلایلی فرهنگی و سنتی عدم حضور گسترده دختران و زنان از دیدگاه مجله را چنین شرح داد که دور شدن دختر از خانه برای خانواده‌های سنتی غیرقابل تحمل بود. «در بسیاری از حوزه‌ها هنجارهای رفتار سنتی رو به اضمحلال و جایگزینی با هنجارهای جدید هستند اما به‌ندرت این جایگزینی توأم با تحول در بینش و نگرش است. به نظر می‌آید نوعی آگاهی ضمنی از انتظارات روبه افزایش جامعه از زنان، همراه با تردیدها و ناهمخوانی‌های بسیار درباره تساوی و برابری به وجود آمده‌است» (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۱۶۹). تصور اینکه دختران در طی مسابقه با پسرهایی که شرکت دارند باهم زندگی می‌کنند، اجازه حضور به دختران خود در این مسابقه را نمی‌دادند (رستاخیز کارگران، ۱۳۵۴: ۱۳/۹). هرچند دختران خود را برابر با پسران می‌دانستند و دلیلی برای عدم حضور نداشتند.

لازم به ذکر است که کمبود مدارس حرفه‌ای و فنی برای زنان، آموزش صنعتی زنان را دچار مشکل کرده بود. چراکه در ابتدا برای تشویق زنان به سوی کارهای فنی باید ذهنیت دختران تغییر می‌کرد و با امور صنعتی آشنا می‌شد. از همه مهم‌تر تشویق دختران برای تحصیل در مدارس فنی از نخستین اقدامات به شمار می‌آید (کار، ۱۳۷۳: ۸۶). همچنین از آنجاکه بخشی از آموزش کارگران در حین کار و در محیط کار صورت می‌گرفت باید این امر را مورد توجه قرار داد که کارفرمایان تا چه میزان به آموزش تخصصی زنان توجه داشتند و چه امکاناتی برای رفاه مادران و دختران کارگر در نظر می‌گرفتند. امری که مجله هرگز به آن نپرداخته است. علاوه بر موارد ذکر شده مجله *رستاخیز کارگران* هرگز آن گونه که باید مشکلات زنان کارگر به خصوص تبعیض در پرداخت دستمزد با مردان را منعکس نکرده است به عبارتی بیان دستاوردهای انقلاب سفید برای زنان، جایی برای نقد شرایط کاری و فرودستی آن‌ها نگذاشته است.

نتیجه

تلاش برای صنعتی شدن کشور توسط سیاست‌ها محمدرضا شاه پهلوی و به دنبال آن گسترده شدن فعالیت‌های صنایع بزرگ در ایران، امکان استفاده از نیروی زنان ضروری بود. دولت با اجرای انقلاب سفید تلاش کرد تا هر چه بیشتر دستاوردهای انقلابی خود را به جامعه عرضه کند. مجله *رستاخیز کارگران* که هم‌زمان با شکل‌گیری حزب رستاخیز، در خدمت اشاعه برنامه‌های رفاهی و خدماتی دولت بود، در انعکاس شرایط کاری و معیشتی کارگری زنان نقش مؤثری داشت. این مجله در راستای سیاست‌های انقلاب سفید شاه با مقالات و عناوینی که منتشر می‌کرد سعی در مهم جلوه دادن فاعلیت زنان در عرصه‌های اقتصادی داشت. مجله نگاهی مدرن نسبت به زنان داشت و باورهای قدیمی در مورد مادر مطلق بودن مورد سؤال واقع شده بود. دیدگاه مدرن خواستار حضور گسترده آنان در جامعه و همراه شدن با مردان در گردش چرخ‌های اقتصادی دولت داشت. تأکید بر افزایش توانایی زنان و بالا رفتن سواد و تحصیلات آنان، تلاشی برای اثربخشی حضور زنان در جامعه بود. این مجله با پوشش دادن خبرهای مراکز کارآموزی شبانه‌روزی و مسابقات مهارت‌آموزی که مستلزم غیبت چندروزه و چند هفته‌ای زنان و دختران از خانه بود، تلاش به عادی‌انگاری

حضور زن در مراکز فنی در کنار مردان داشت، تا از این طریق نگاه سنتی خانواده‌های متوسط را تعدیل کند. نقد مهم بر این مجله عدم انعکاس مسائل و مشکلات زنان و مطالبات کارگری است تا هرگز دستاوردهای انقلاب سفید شاه مورد انتقاد قرار نگیرد.

منابع

الف) منابع فارسی

کتابها

- اشرف، احمد، علی بنوعزیزی (۱۳۸۶). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
- ایوانف، س.م. (۱۳۵۶). *تاریخ ایران نوین*، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، تهران: بینا.
- بدیعی، نعیم (۱۳۸۰). *تحلیل محتوا*، تهران: اداره کل تبلیغات.
- بهزادی، علی (۱۳۷۵). *تسبه خاطرات*، تهران: زرین.
- برزین، مسعود (۱۳۷۱). *شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۳۱۵ تا ۱۳۵۷*، تهران: بهجت.
- بهرامی‌تاش، رکسانا (۱۳۹۹). *زنان کارآفرین، کسب‌وکارهای خرد و بخش غیررسمی در ایران*، ترجمه مهشید کریمایی، تهران: شیرازه.
- بیگدلی، فاطمه و یزدانی مقدم، سهراب (۱۳۹۶). *چگونگی تشکیل، فعالیت و انحلال حزب رستاخیز*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی.
- *بررسی اجمالی شرایط کار زنان کارگر* (۱۳۴۸). بی‌جا: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- جای‌واردنه، کوماری (۱۳۹۱). *فمینیسم و ناسیونالیسم در جهان سوم*، ترجمه شهلا طهماسبی، تهران: ژرف.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۵). *انقلاب سفید*، تهران: بانک ملی ایران.
- حسینی، مرضیه (۱۴۰۱). *وضعیت اشتغال زنان در دوره رضاشاه*، تهران: تاریخ ایران.
- رستگار خالد، امیر (۱۳۸۵). *خانواده، کار، جنسیت*، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان.
- رجائی، عبدالمهدی؛ نورائی، مرتضی و دهقان نیری، لقمان (۱۳۹۳). *تحلیل وضعیت نساجی در تحولات شهری اصفهان (۱۳۰۰-۱۳۴۵)*، دانشگاه اصفهان.

- سازمان زنان ایران (بیتا). *حقوق زن کارگر*، بیجا.
- سازمان برنامه‌بودجه (۲۵۳۶). *سالنامه آماری کشور*، تهران: مرکز آمار ایران.
- سازمان برنامه‌بودجه (۱۳۵۲). *دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان ایران*، تهران: مرکز آمار ایران.
- ساناساریان، الیزه (۱۳۸۴). *جنبش حقوق زنان در ایران/طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷*، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۲). *حزب رستاخیز؛ اشتباه بزرگ: خودکامگی در ایران عصر پهلوی*، تهران: موسسه مطالعاتی و پژوهش‌های سیاسی.
- فرزاد، پرویز (۱۳۸۴). *راهنمای پژوهش تاریخی (کتابخانه‌ای)*، تهران: طهوری.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۳). *زنان در بازار کار ایران*، ترجمه پروین رئیسی فرد، تهران: روشنگران.
- گرت، استفانی (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کنایون بقایی، تهران: دیگر.
- لاجوردی، حبیب (۱۹۸۴). *مصاحبه با خانم عظاما عدل نفیسی*، نوار شماره یک: کمبریج.
- مغیثی، هایده (۱۳۸۰). *زنان و انقلاب ۱۳۵۷ تجربه اتحاد ملی*، تهران: زاگرس.
- هالیدی، فرد (۱۳۸۵). *دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران*، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیرکبیر.

مقاله‌ها

- احمدزاده نودیجه، حسین و منصوربخت، قباد (۱۴۰۱). تبیین وضعیت سوادآموزی و تصویب نخستین قانون آموزش کارگران در ایران عصر پهلوی، (۱۳۰۴-۱۳۳۲). *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ۱۲(۱)، ۳-۲۵. Doi. 10.30465/shc.2022.40024.2319
- حسینی، مرضیه (۱۴۰۰). *مادری جدید و آموزش زنان در عصر رضاشاه. تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، ۳۱(۵۲)، ۱۵-۳۶. Doi. 10.22051/hii.2021.35484.2448
- سلماسی‌زاده، محمد و امیری، آمنه (۱۳۹۶). تأثیر نوسازی حکومت پهلوی اول بر پایگاه زنان در خانواده و اجتماع، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۸(۱۵)، ۶۳-۹۰.

- ملک‌زاده، الهام؛ ادیسی، طیبه و حسین‌پور، فاطمه (۱۳۹۹). عملکرد سازمان زنان ایران: مطالعه موردی استان بوشهر (۱۳۴۵-۱۳۵۷ش). *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*. ۱۱(۲۵)، ۱۷۵-۲۰۰.
Doi: 10.22034/jiiph.2020.12608

روزنامه‌ها

- *رستاخیز کارگران* (۱۳۵۴). شماره یکم، ۳ آذرماه ۱۳۵۴.
- *رستاخیز کارگران* (۱۳۵۴). شماره دوم، ۱۷ آذرماه ۱۳۵۴.
- *رستاخیز کارگران* (۱۳۵۴). شماره سوم، ۱ دی‌ماه ۱۳۵۴.
- *رستاخیز کارگران* (۱۳۵۴). شماره چهارم، ۱۵ دی‌ماه ۱۳۵۴.
- *رستاخیز کارگران* (۱۳۵۴). شماره پنجم، ۲۹ دی‌ماه ۱۳۵۴.
- *رستاخیز کارگران* (۱۳۵۴). شماره ششم، ۱۳ بهمن‌ماه ۱۳۵۴.
- *رستاخیز کارگران* (۱۳۵۴). شماره هفتم، ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۵۴.
- *رستاخیز کارگران* (۱۳۵۴). شماره هشتم، ۱۱ اسفندماه ۱۳۵۴.
- *رستاخیز کارگران* (۱۳۵۴). شماره نهم، ۲۵ اسفندماه ۱۳۵۴.
- *رستاخیز کارگران* (۲۵۳۵). شماره دهم، ۱۶ فروردین‌ماه ۲۵۳۴.
- *رستاخیز کارگران* (۲۵۳۵). شماره یازدهم، ۳۰ فروردین‌ماه ۲۵۳۵.
- *رستاخیز کارگران* (۲۵۳۵). شماره دوازدهم، ۱۳ اردیبهشت‌ماه ۲۵۳۵.
- *رستاخیز کارگران* (۲۵۳۵). شماره سیزدهم، ۲۲ اردیبهشت ۲۵۳۵.
- *رستاخیز کارگران* (۲۵۳۵). شماره پانزدهم، ۲۴ خردادماه ۲۵۳۵.
- *رستاخیز کارگران* (۲۵۳۵). شماره هفدهم، ۲۱ تیرماه ۲۵۳۵.
- *رستاخیز کارگران* (۲۵۳۵). شماره هجدهم، ۴ مردادماه ۲۵۳۵.
- *رستاخیز کارگران* (۲۵۳۵). شماره نوزدهم، ۱۸ مردادماه ۲۵۳۵.
- *رستاخیز کارگران* (۲۵۳۵). شماره بیستم، ۸ شهریورماه ۲۵۳۵.

- رستاخیز کارگران (۲۵۳۵). شماره بیست و یکم، ۲۲ شهریورماه ۲۵۳۵.
- رستاخیز کارگران (۲۵۳۵). شماره بیست و دوم، ۱ مهرماه ۲۵۳۵.
- رستاخیز کارگران (۲۵۳۵). شماره بیست و چهارم، ۱ آذرماه ۲۵۳۵.
- کار (۱۳۲۸)، شماره ۳۴ و ۱۹.

اسناد

- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده حزب رستاخیز ملت ایران، شماره بازیابی ۱۳.

صورت مذاکرات مجلس

- صورت مذاکرات مجلس، ۱۷ خرداد ۱۳۲۸.

ب) منابع انگلیسی

- Bernard Berelson. (1952). *Content Analysis in Communication Research*, New York: The Free Press.
- Fernández, R. (2013). "Cultural Change as Learning: The Evolution of Female Labor Force Participation Over a Century", *The American Economic Review*, 103(1), 472-500.
Doi: 10.1257/aer.103.1.472
- Sabahi, Farian. (2002). *Gender and the Army of Knowledge in Pahlavi Iran*. 1968-1979, in (Ansari, Sara, Martin, Vanessa. (2002). *Women, Religion and Culture in Iran*, London, Routledge.
Doi: 10.4324/9781315810720
- Yeganeh, Nahid (1993). "Women, Nationalism and Islam in Contemporary Political Discourse in Iran", *Feminist Review*, No. 44, Nationalisms and National Identities. Summer, 44(1).
Doi: 10.1057/fr.1993.17
- Watson, Keith. (1976). "The Shah's White Revolution-Education and Reform in Iran." *Comparative Education*, 12(1).
Doi: 10.1080/0305006760120104